

پرسش ۸۴۴: چگونه یقین کنیم او مهدی (ع) است؟

السؤال / ۸۴۴: السلام عليكم، كيف لي أن أتأكد أنك أنت المهدي؟؟ وإذا اردت رؤيتك.. اين اجدك؟ حتى ابايعك. وهل انت تعلم الغيب؟ او تعلم ما هو كائن وما سوف يكون؟

ياسر السفيناني الثقفي - جزيرة العرب الطائف

سلام عليكم. چگونه می توانم یقین کنم شما مهدی هستيد؟؟ اگر بخواهم شما را ببينم.... کجا پيدايتان کنم تا با شما بيعت نمايم؟ آیا شما غيب می دانيد؟ يا گذشته و آینده را می دانيد؟

ياسر سفينانی ثقفی - جزيرة العرب، طائف

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته... يعرف الحق بدليله ويؤخذ الدليل من الكتاب والعترة تصديقاً لقول رسول الله (صلى الله عليه وآله) في وصيته لأئمة وهالك تدبر هذا الحديث الوارد عن الصحابي جابر بن عبد الله الأنصاري: (رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم في حجته يوم عرفة وهو على ناقته القصواء يخطب فسمعتة يقول يا أيها الناس إني تركت فيكم من ما إن أخذتم به لن تضلوا كتاب الله وعترتي أهل بيتي).

و عليكم السلام و رحمت الله و بركاته.... حق با دلیلش شناخته می‌شود، و دلیل از کتاب و عترت گرفته می‌شود؛ به جهت تصدیق سخن رسول الله (ص) در وصیتشان به امت خود. در این حدیث که از صحابی جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است، دقت کن: رسول الله (ص) را در حج و روز عرفه دیدم که سوار بر شتر گوش بریده‌اش، خطبه می‌خواند و من از ایشان شنیدم که فرمود: «ای مردم! من در میان شما چیزی را به جا گذاشتم که اگر آن را بگیرید، هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خداوند و عترتم، اهل بیتم».

ولذا فمعرفةك بالمهدي (عليه السلام) لا بد أن تستند إلى ما ورد في القرآن والعتره، وكما تعلم أن المسلمين عموما وللأسف تحكمهم نزعة التعصب لدين الآباء من دون بحث وتدبر فقد جاء اليوم الذي ينتبه به المسلمون عموما إلى أن النهج التعصبي لجهة من الجهات غير جهة الحق هو تعصب جاهلي بل حتى جهة الحق لا تعرف بالتعصب بل تعرف بالبحث والتدقيق والتعلم والنظر بالدليل القطعي الصدور.

به همین جهت شناخت شما از مهدی (ع) باید به آنچه در قرآن و عترت است، مستند باشد. همان طور که می‌دانی، متأسفانه بر عموم مسلمانان دعوی تعصب نسبت به دین پدران بدون تحقیق و تفکر، حکم فرما است. امروز کسی آمده که به همه‌ی مسلمانان تذکر می‌دهد که روش تعصبی برای تمایل به گرایش از گرایش‌ها غیر از گرایش حق، همان تعصب جاهلانه است. حتی گرایش حق نیز با تعصب شناخته نمی‌شود، بلکه با تحقیق، دقیق شدن، آموزش و بررسی با دلیل قطعی الصدور شناخته میشود.

فالقرآن الكريم جعل الله سبحانه فيه القوانين العامة الثابتة التي تنظم حركة الحياة بما يحقق الغاية من الخلق في كل العوالم، ومن تلك القوانين التنظيمية المهمة هو قانون معرفة حجة الله وخليفته في كل زمان، وهذا

القانون ثابت لا يتغير ولا يتبدل منذ تنصيب أول خليفة للخلق وهو آدم (عليه السلام) وإلى أن يرث الله سبحانه الأرض وما عليها وهو سنة الله في الذين خلوا، قال تعالى: (سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) [الأحزاب: 62] فالقوانين العامة التنظيمية في القرآن هي سنن إلهية ثابتة ولكن الناس هي من رفضت تطبيق تلك القوانين التنظيمية العامة وجنت من وراء ذلك كل هذا التخلف والذل والانصياع للطواغيت، ولو أن الأمة طبقت القانون الإلهي وعملت به لما كان حالها كما نراه اليوم.

خداوند سبحان در قرآن کریم، قوانین عمومی ثابتی قرار داده است که مسیر زندگی را با تحقق بخشیدن به رسیدن به غایت در همه‌ی عوالم، قرار داده است. از جمله‌ی این قوانین مهم سازمان‌دهنده، قانون شناخت حجت خدا و خلیفه‌ی او در هر زمان می‌باشد. این قانونی است ثابت که از زمان منصوب شدن اولین خلیفه برای مخلوقات که حضرت آدم (ع) باشد و تا هنگامی که خداوند سبحان زمین و آنچه در آن است را به ارث ببرد، تغییر نمی‌کند و عوض نمی‌شود و این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بوده است. خداوند متعال می‌فرماید: (این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بود و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت) [الأحزاب: 62]. بنابراین قوانین عمومی سازمان‌دهنده در قرآن، سنت‌های الهی ثابتی هستند، ولی مردم، کسانی هستند که اجرای این قوانین عمومی سازمان‌دهنده را نپذیرفتند و فراتر از آن، همه‌ی این تخلفات و خوار شدن‌ها و سر فرود آوردن‌ها در برابر طاغوت را به انجام رسانیدند. اگر امت قانون الهی را اجرا و به آن عمل می‌کردند، وضعیت‌شان همانند آنچه امروز می‌بینیم، نمی‌بود.

المهم فقانون معرفة الخليفة الإلهي يستند إلى فقرات ثلاث هي:

آنچه مهم است این است که قانون شناخت خلیفه و جانشین خداوند به سه محور تقسیم می‌شود که عبارتند از:

أولاً: الخليفة يكون منصوباً عليه كما نص الله سبحانه مباشرة على آدم (عليه السلام) في محفل من الملائكة كما قال تعالى: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) [البقرة: 30]
 أو عن طريق آدم (عليه السلام) عندما ترك وصية باسم من يخلفه بعده وهكذا جرت السنة الإلهية وصولاً إلى نبينا محمد (صلى الله عليه وآله)، ولذا هنا تسجل نقطة على الأمة هي لماذا أوقفت العمل بسنة الله!؟!!

اول: بر خليفه نص و تصريح شده است؛ همان طور که خداوند سبحان به طور مستقیم در محفل ملائکه به آدم (ع) تصریح نمود؛ آن جا که می فرماید: (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه ای قرار می دهم. گفتند: آیا کسی را قرار می دهی که در آن جا فساد کند و خون ها بریزد و حال آن که ما به ستایش تو تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم؟ گفت: آن چه من می دانم، شما نمی دانید) [البقرة: 30]؛ یا به وسیله ی آدم (ع) وقتی به اسم جانشین بعدی اش وصیت می کند و این چنین سنت الهی تا پیامبر ما حضرت محمد (ص) جاری شد. در این جا نکته ای برای مردم وجود دارد: چرا عمل به سنت خداوند متوقف شد!؟!!

ثانياً: العلم الإلهي مصداقاً لقوله تعالى: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) [البقرة: 31]
 فخليفة الله لا بد أن يكون أعلم أهل زمانه بمراد الله سبحانه وبالعلم الإلهي.

دوم: علم الهی که مصداق این سخن خداوند متعال است: (و تمام نام ها را به آدم پیامخت. سپس آن ها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می گوئید مرا به نام های این ها خبر دهید) [البقرة: 31]. باید جانشین خداوند، داناترین نسبت به اهل زمان خودش به منظور و هدف خداوند سبحان و علم الهی باشد.

ثالثاً: الدعوة إلى حاكمية الله والبيعة لله سبحانه، مصداقاً لقوله تعالى: (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) [الحجر: 29].

سوم: دعوت به حاکمیت خداوند و البيعه لله سبحانه، که مصداقی برای این سخن خداوند متعال می‌باشد: (چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیفتید) [الحجر: 29].

ولا يمكن أن تجتمع هذه الثلاث فقرات في رجل إلا كان هو حجة الله وخليفته، والمهدي الذي بشرنا به رسول الله (صلى الله عليه وآله) هو خليفة الله فإن لا بد أن ينطبق عليه هذا القانون الإلهي بفقراته الثلاث مجتمعة من دون تخلف أي فقرة من الفقرات

امکان ندارد این این سه بخش در کسی جمع شود، مگر این که او حجت و خلیفه‌ی خداوند باشد. مهدی که رسول خدا (ص) ما را به او بشارت داده، خلیفه و جانشین خداوند است. بنابراین باید هر سه بخش این قانون الهی بر ایشان تطبیق کند، بدون این که هیچ بخشی از بخش‌ها مفقود شده باشد.

وهذا القانون انطبق على المهدي أحمد الحسن (عليه السلام) فهو كما أخبر رسول الله (صلى الله عليه وآله) أنه يولد في آخر الزمان وهو كذلك، وقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) هومن عترتي والإمام أحمد (عليه السلام) هومن عتره محمد (صلى الله عليه وآله) ذرية بعضها من بعض وفيه فقرات القانون الثلاث كلها ففيه وصية رسول الله (صلى الله عليه وآله) وهو أعلم الناس بالقرآن والتوراة والإنجيل، وهو اليوم الشخصية الوحيدة في العالم الذي يدعو إلى إقامة حاكمية الله

این قانون بر مهدی -احمد الحسن (ع) - منطبق می‌باشد. همان‌طور که رسول الله (ص) خبر داده است که ایشان در آخرالزمان متولد می‌شود، ایشان این چنین است.

رسول الله (ص) فرمود که او از خاندان من است و امام احمد (ص) از خاندان حضرت محمد (ص) می‌باشد؛ فرزندانى که برخى از نسل برخى دیگرند. همه بخش‌های سه‌گانه‌ی این قانون در ایشان وجود دارد. وصیت رسول الله (ص) در مورد ایشان آمده است و ایشان به قرآن، تورات و انجیل، آگاه‌ترین می‌باشد. ایشان امروز تنها کسی است که در جهان به برپایی حاکمیت خداوند دعوت و براساس این روش عمل می‌کند

ويعمل على هذا النهج الإلهي ودفع من أجله دماء أحبته من أنصاره، بل ودفع وما يزال ثمن هذا العمل الإلهي من حاله فهو شريد طريد كما هم الأنبياء والمرسلون خلفاء الله (عليهم السلام) مصداقاً لقوله تعالى في آيات كثيرة ارشداً إلى واحدة منها هي قوله تعالى في وصف حال الاقوام مع خلفاء الله: (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهَلِكَنَّ الظَّالِمِينَ) [إبراهيم: 13]

و در این راه، خون‌های انصار عزیزش را داده، و حتی پیوسته بهای این عمل الهی را با قرار گرفتن در وضعیت کنونی‌اش، داده است. او رانده و طرد شده است، همان‌طور که پیامبران و فرستادگان که جانشینان خداوند (ع) هستند، چنین بوده‌اند. ایشان مصداق سخن خداوند متعال در آیات بسیاری هستند که شما را به یکی از آن‌ها راهنمایی می‌کنم. این سخن خداوند متعال در توصیف حال اقوام با جانشینان خداوند می‌باشد: (کافران به پیامبرانشان گفتند: یا شما را از سرزمین خود می‌رانیم یا به کیش ما بازگردید. پس پروردگارشان به فرستادگان وحی کرد که ستمکاران را هلاک خواهیم نمود) [إبراهيم: 13].

وهذا حال المهدي (عليه السلام) اليوم وأنصاره وهو ينادي في الناس: [أعنا تتخاذلون وعن نصرتنا تتكصون، حسبنا الله ونعم الوكيل] أفتالتقية تعتذرون عن خذلان آل محمد (عليهم السلام) أم بالخوف أم بقلة العدد والعدة،

ألم يقاتل طالوت بقله العدد والعدة جيش جالوت مع كثرة عددهم وضخامة عدتهم، ألم يقاتل محمد (صلى الله عليه وآله) في بدر بقله العدد والعدة ونصرهم الله سبحانه وتعالى أوليس القرآن يهتف في أسماعكم (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) [البقرة: 249].

این وضعیت امروز مهدی (ع) و انصارش می باشد که در میان مردم ندا سر می دهد: آیا ما را خوار می کنید و از یاری ما سرباز می زنید. خداوند برای ما کافی و بهترین وکیل است. آیا با تقیه برای خوار کردن و تنها گذاردن آل محمد (ع) عذر می آورید؟ یا با ترس؟ یا با اندک بودن عده و عده (نفرات و امکانات)؟! آیا در بدر محمد (ص) با نیروها و امکانات اندک نجنگید؟ در حالی که خداوند سبحان و متعال او را یاری داد. آیا قرآن در گوش هایتان فریاد نمی زند: (به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا با کسانی است که صبر پیشه می کنند). [البقرة: 249]

يامن تتخاذلون عن نصره الإمام المهدي (عليه السلام) هل- تنتظرون إلا الاصطفاف مع السفيناني (لعنه الله) وارث يزيد ابن معاوية (لعنه الله) بعد اصطفافكم مع الدجال الأكبر (أمريكا) إذا فابشروا بنار وقودها (النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ) [].

ای کسانی که از یاری دادن امام مهدی (ع) شانه خالی می کنید، آیا منتظر چیزی جز ایستادن در یک صف به همراه سفینانی وارث یزید بن معاویه که خداوند لعنتش کند، می باشید؟! پس از این که با دجال اکبر - آمریکا- در یک صف بودید؟ در این صورت، به آتشی بشارت باد که هیزمش (مردم و سنگ هستند که برای کافران آماده شده است).

أما اشتراط البيعة بروية شخص الداعي فهذا ما لم يقل به عاقل على الرغم من أننا صرنا نألف هذا الشرط المفتعل من أناس هذا الزمان لكثرة تكراره على ألسنتهم، وكثرة ما رددنا على هذا الشرط وقلنا لهم ناصحين

إن هذا الشرط المفتعل إنما هو من الشيطان (لعنه الله) فكيف تستمعون لشرط يوسوس به لكم الشيطان (لعنه الله)، وارجعوا واطلعوا فهذا النجاشي (رضي الله عنه) آمن بمحمد (صلى الله عليه وآله) وصدقته وبايعه من خلال النظر في دليله، ومات ولم ير النبي (صلى الله عليه وآله) ولما وصل خبر وفاته أمر النبي (صلى الله عليه وآله) اصحابه أن يجتمعوا ليصلي بهم صلاة الغائب على روح النجاشي (رحمه الله) فهل برأي من يجعل البيعة مشروطة بروية شخص الداعي أن بيعة النجاشي لرسول الله (صلى الله عليه وآله) لم تكن بيعة صحيحة؟! قل هاتوا برهانكم إن كنتم صادقين.

اما مشروط بودن بیعت به دیدن دعوت کننده، این سخنی است که هیچ عاقلی آن را نمی گوید؛ ولی با این حال تکرار این شرط را از زبان بسیاری در این زمان می شنویم و بسیار نیز پاسخ این شرط را دادیم و از روی پند و نصیحت به ایشان گفتیم که این شرطی که قرار داده شده است، چیزی جز از ناحیه ی شیطان که خداوند لعنتش کند، نمی باشد. چگونه به شرطی گوش فرامی دهید که شیطان (لعنه الله) به واسطه ی آن، شما را وسوسه کرده است؟ بازگردید و مطالعه کنید. این نجاشی (خداوند از او خشنود باشد) است که به محمد (ص) ایمان آورد، او را تصدیق نمود و با ایشان از طریق دقت در دلیلش بیعت نمود و در حالی از دنیا رفت که پیامبر (ص) را ندید. وقتی خبر وفاتش رسید، پیامبر (ص) به یارانش دستور داد که جمع شوند تا نماز غایب بر روح نجاشی که خداوند رحمتش کند، بخوانند. آیا به نظر کسانی که بیعت را مشروط به دیدن شخص دعوت کننده می دانند، بیعت نجاشی با رسول الله (ص) بیعتی صحیح نبوده است؟! (بگو: اگر راست می گوید، برهانتان را بیاورید).

أما علم الغيب فقد كفانا الجواب عنها قول الله جل و علا: عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا * لِيَعْلَمَ أَن قَدِ ابْتَلَّوْا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ

وَأَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا [الجن: 26-28] فتدبر الآية جيدا وستعرف جواب
سؤالك.

اما در مورد علم غیب، این سخن خداوند جل و علا برای پاسخ دادن به آن کفایت می‌کند: (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد * مگر بر آن فرستاده‌ای که از او خوشنود باشد که برای نگهبانی از پیش رویش و از پشت سرش نگهبانی می‌گمارد * تا بداند که آن‌ها پیام‌های پروردگارش را رسانیده‌اند و خدا به آن‌چه نزد آن‌ها است احاطه دارد و همه چیز را به عدد، شماره کرده است [الجن: 26-28]. در این آیه به خوبی تدبّر کن و پاسخ پرسشت را خواهی یافت.

وإذا شئت الاطلاع على دعوة المهدي (عليه السلام) ومعرفة أدلتها فأدعوك
إلى زيارة موقع أنصار الإمام المهدي (عليه السلام) للبحث والقراءة والتدقيق
والنظر في الدليل:

[/http://vb.al-mehdyoon.org](http://vb.al-mehdyoon.org)

والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الأستاذ زكي الأنصاري - رجب المرجب/1432هـ ق

اگر خواستی بیش‌تر از دعوت مهدوی (ع) آگاه شوی و دلایلی را بشناسی، تو را دعوت می‌کنم که از سایت انصار امام مهدی (ع) برای تحقیق، مطالعه و بررسی دلیل دیدار کنی:

[/http://vb.al-mehdyoon.org](http://vb.al-mehdyoon.org)

و الحمد لله وحده وحده وحده.

هیئت علمی انصار امام مهدی (خداوند در زمین تمکینش دهد)
استاد زکی انصاری - رجب المرجب 1432 هـ ق

